

"روز به روز هَرَج و مَرَج در دنیا در اِزدیاد است، عاقبت به درجه ای رسد که بُنیۀ انسانی را تحمّل نماند. آن وقت، اِنْتباه رُخ دهد و نفوس آگاه گردد که دین حِصْنِ مَتین است و آیین نورِ مُبین و احکام و نصایح و تعالیم الهی مُحییِ روی زمین." (حضرت عبدالبهاء / امر و خلق، ج ۴، ص ۴۷۹)

عنوان برنامه: تأملی در مفهوم و مصادیق بلای ناگهانی و وظایف اهل بهاء در قبال آن

قسمت روحانی

- ۱- مناجات شروع
- ۲- دعای دسته جمعی «هَلْ مِنْ مُفَرِّجٍ غَيْرِ اللَّهِ قَلْ سُبْحَانَ اللَّهِ هُوَ اللَّهُ كُلُّ عِبَادٍ لَهُ وَ كُلُّ بِأَمْرِهِ قَائِمُونَ»
- ۳- نصوص مبارکه از حضرت بهاءالله جَلَّتْ عَظَمَتُهُ
- ۴- نصوص مبارکه از حضرت عبدالبهاء جَلَّ ثَنَائُهُ

قسمت اداری

- ۵- مفهومی از بلای ناگهانی
- ۶- مصادیقی از بلای ناگهانی
- ۷- عاقبت و نتیجه بلای ناگهانی (الف)
- ۸- عاقبت و نتیجه بلای ناگهانی (ب)
- ۹- از جمله وظایف اهل بها در قبال بلای ناگهانی (الف- عشق و وحدت و اتحاد)
- ۱۰- از جمله وظایف اهل بها در قبال بلای ناگهانی (ب- فضائل و اخلاق رحمانی)
- ۱۱- از جمله وظایف اهل بها در قبال بلای ناگهانی (ج- انقطاع و خدمت و تبلیغ)
- ۱۲- از جمله وظایف اهل بها در قبال بلای ناگهانی (د- حسن رفتار، تمسک به ذیل عَفَّت و عصمت، آزادی از قیود تعصبات)
- ۱۳- از جمله وظایف اهل بها در قبال بلای ناگهانی (ه- امید و اطمینان و سرور)
- ۱۴- برنامه نونهالان و نوجوانان

۱۵- شور و مشورت؛ موضوع: چه وظایفی در قبال بحران ها و انقلابات دنیا بر دوش ما اهل بهاست؟

قسمت اجتماعی

۱۶- تنفس و پذیرائی

۱۷- مناجات خاتمه

دوست بسیار عزیز:

لطفاً قبل از اجرای برنامه شماره ۹ تا ۱۲ این مطلب را برای دوستان قرائت فرمایید:

در ۱۹۳۴ حضرت ولیّ امرالله فرمودند که هنوز تیره ترین ساعات قبل از دمیدن صبح فرانسیده است (کتاب حال و آینده جهان). معهد اعلی در رضوان ۱۵۰ بدیع فرمودند که این زمان تیره ترین ساعات قبل از دمیدن صبح است. و در پیام رضوان سال ۱۵۶ بدیع اعلان فرمودند وارد "نقطه عطف بحران" شده ایم؛ می فرمایند: "احوال اسف باری که از مشاهده این وضع بر قلب و روح مستولی می گردد باید ما را به عمل و اقدام، آن هم اقدامی قاطع، برای تحقّق مقاصد نقشه ای برانگیزد که هدف عمده اش تسریع جریان است که تعداد روزافزونی از مردم جهان را قادر به یافتن مقصودی می نماید که آن را برای بنیان نهادن زندگانی وحدت بخش و صلح آمیز و پُر از سعادت و رفاه جستجو می کنند. یاران عزیز، ایام مانند چشمک ستارگان به سرعت درگذر است. حال نقطه عطف بحرانی است که هرگز شبه و مثلش دوباره پیش نخواهد آمد. فرصت را غنیمت شمارید و در این فرصت اقدامی نمایید که سبب شمول عنایات و الطاف الهیه گردد و برای شما و همه نوع انسان ضامن آینده ای ماورای ارزش های دنیوی شود."

حال که در بازه زمانی ای هستیم که نقطه عطف بحران و انقلابات جهان است، باید تأملی در وظایفمان در قبال این بحران نماییم. برنامه های شماره ۹ تا ۱۲، به جوهری از این وظایف می پردازد که به ترتیب تقدیم دوستان عزیز می شود.

مناجات شروع

هُوَ اللَّهُ

ای پروردگار، آن مُشتاقان را تَجَلّی عِنایت فرما و آبوابِ موهبت بگشا از هر آلودگی طیب و طاهر کن و از هر ناشایستگی آزادی بخش؛ قمیصشان چون پیره‌نِ یوسفِ مُعَطَّر کن و خُلق و خویشان را چون جیبِ نسیمِ صبا پُر مُشک و عَنبر نما. به صفاتِ رَحمانیتِ مُتَّصِف کن و به اخلاقِ روحانیانِ مُتَخَلِّق تا آیاتِ توحید گردند و بیّناتِ إِشراقِ نورِ رَبِّ فَرِید؛ سببِ عِزّتِ اَمْرِ تو گردند و عِلّتِ بزرگواریِ قدرِ خود تا شدتشان به رَخا مَبْدَل گردد و فقرشان به غنا؛ عِزّتِ اَبَدیّه یابند و موهبتِ سَرْمَدیّه؛ مَظَاهِرِ تَقْدِیس گردند و مَطالِعِ تَنْزِیّه؛ از عالمِ نورانیت و روحانیت حکایت کنند تا جمیعِ آبوابِ از جمیعِ جهات بر وُجوهشان گشوده گردد. اِنَّكَ اَنْتَ الْقَوِيُّ الْقَدِير. ع ع

(مجموعه مناجات های حضرت عبدالبهاء نشر آلمان، صص ۴۰۵-۴۰۶)

نصوص مبارکه از حضرت بهاءالله جَلَّتْ عَظَمَتُهُ

اگر اهل ارض فی الجمله تفکر کنند ادراک می نمایند که مصلحت کل ظاهراً و باطناً توجه به حق جل جلاله بوده و هست. غفلتِ عباد و اعمالِ باطله‌ی ایشان به صُورِ بلائیِ مختلفه ظاهر شده و ارض را احاطه کرده. (امر و خلق، ج ۴، ص ۴۶۲)

بگو ای اهل ارض، براستی بدانید که بلای ناگهانی شما را در پی است و عِقَابِ عظیمی از عَقِب. گمان مبرید که آنچه را مرتکب شدید از نظر محو شده قسم به جمال که در الواح زبرجدی از قلم جلیّ جمیع اعمال شما ثبت گشته.

امروز مرد دانش کسی است که آفرینش او را از بینش باز نداشت و گفتار او را از کردار دور ننمود. مرده کسی که از این بادِ جانبخش در این بامدادِ دلکش بیدار نشد و بسته مردی که گشاینده را نشناخت و در زندان آز سرگردان بماند. ای بندگان هر که از این چشمه چشید به زندگی پاینده رسید و هر که ننوشید از مردگان شمرده شد. بگو ای زشتکاران، آرُ شما را از شنیدن آوازِ بی نیاز دور نمود آرُ را بگذارید تا رازِ کردگار بیابید و او مانند آفتاب جهانتاب روشن و پدیدار است. بگو ای نادانان گرفتاری ناگهان شما را از پی کوشش نمائید تا بگذرد و به شما آسیب نرساند. اسم بزرگ خداوند که به بزرگی آمده بشناسید. اوست داننده و دارنده و نگهبان.

(ادعیه حضرت محبوب، صص ۳۱۰-۳۱۲)

نصوص مبارکه از حضرت عبدالبهاء جلّ ثنائه

ای بنده‌ی آستان مقدس، شکایت از کسادی تجارت نموده بودید. در این سنه آفات و صدمات، کسادی و فساد جمیع آفاق را احاطه نموده زیرا بر کل حجّت بالغ شده. عبدالبهاء در کنائس و محافل اروپ و امریک در اکثر مُدُن نعره زنان اعلان امر حضرت بهاءالله نمود و ندا به ملکوت الهی کرد و براهین لامعہ اقامه نمود و دلائل ظاهره و حجّت باهره اظهار کرد؛ ابدأً از برای نفسی عذری نماند، بلکه بسیاری از خطابه‌ها در روزنامه‌ها اعلان به آفاق شد. با وجود این هنوز ناس در خوابِ غفلت گرفتار. متمسک به مجاز و از حقیقت بیزار. هنوز ناس در شهواتِ نفسانیّه مُنْهَمِکْ به درجه‌ای که صُورِ اِسْرَافیل بیدار ننماید. البته این غفلت و کفران نعمت و عدم انتباه، سببِ حسرت و مشقت و جنگ و جدال و حصول خُسْران و وَبال است. و اگر اهل عالم توجّه به اسم اعظم نمایند خطرِ عظیم دراستقبال. ولی در حَقِّ یاران امیدم چنان است که آثارِ لطفِ الهی ظاهر گردد، امورشان از جمهور استثناء یابد وَعَلَيْكَ الْبَهَاءُ الْاَبْهَى عبدالبهاء عباس.

(مکاتیب، ج ۴، ص ۳۷)

ای عزیز، از قُیُودِ وُجُودِ ناسوتی آزاد شو تا فُؤَادُ روحانی گردد و نورانی شود؛ مرغِ دلُ بال و پر بگشاید و به اوج اعظم پرواز نماید. قفسِ نَفْسِ بشکند و انبساطی در جهان دیگر یابد. این را بدان که در این خاکدان فانی نشئه و شادمانی انسانی، احساساتِ رحمانیّه است و بَسْ.»

(مکاتیب، ج ۸، ص ۱۹)

در این جهان آب و گل، شادمانی مُحال و مُمتنع، مگر آن که انسان دل به جهان دیگر بندد و سیر در عالم دیگر کند و مقصدش بلند و مُرادش ارجمند باشد.

(مکاتیب، ج ۸، ص ۲۰۷)

هو الله

رَبِّ رَبِّ نَحْنُ عُجَزَاءُ وَ أَنْتَ الْقَوِيُّ الْقَدِيرُ وَ نَحْنُ أَدِلَاءُ وَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْجَلِيلُ وَ نَحْنُ فُقَرَاءُ وَ أَنْتَ الْغَنِيُّ الْكَرِيمُ. أَيْدُنَا عَلَى عُبُودِيَّتِهِ عَتَبَهُ قُدْسِكُ وَ وَقَّفْنَا عَلَى عِبَادَتِكَ فِي مَشَارِقِ ذِكْرِكُ وَ قَدَّرْنَا لَنَا نَشْرَ نَفْحَاتِ قُدْسِكَ بَيْنَ خَلْفِكَ وَ أَشَدُّ أَرْوَرْنَا عَلَى خِدْمَتِكَ بَيْنَ عِبَادِكَ حَتَّى نَهْدِيَ الْأُمَّمَ إِلَى اسْمِكَ الْأَعْظَمِ وَ نَسُوقَ الْمِلَلَ إِلَى شَاطِئِ بَحْرِ أَحَدِيَّتِكَ الْأَكْرَمِ. أَيْ رَبِّ نَجِّنَا مِنْ غَلَاظِ الْخَلَائِقِ وَ الْخَطِيئَاتِ السَّوَابِقِ وَ الْبَلِيَّاتِ اللَّوَّاحِقِ حَتَّى نَقُومَ عَلَى إِغْلَاءِ كَلِمَتِكَ بِكُلِّ رَوْحٍ وَ رِيحَانٍ وَ نَذْكَرَ فِي آنَاءِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ نَدْعُوهُ الْكُلَّ إِلَى الْهُدَى وَ نَأْمُرَ بِالتَّقْوَى وَ نُرْتَلِ آيَاتِ تَوْحِيدِكَ مَلَأَ الْإِنْسَاءُ. إِنَّكَ أَنْتَ الْمُقْتَدِرُ عَلَى مَا تَشَاءُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَزِيزُ الْقَدِيرُ. ع ع

(مجموعه مناجات های حضرت عبدالبهاء نشر آلمان، صص ۶۱)

مفهومی از بلای ناگهانی

این بسی واضح و مسلّم است که عالم وجود به أمراض گوناگون دچار گشته اینست که قلم مبارک [حضرت ولیّ امرالله] بدین لحن ناطق میگردد: "...عالم انسانی که در دریای خودکامی فرورفته و نسبت به خالق خود بی اعتنا و بی خبر شده و انذارات و نصائح و مواعظ مظهر ظهور را بالمَرّه فراموش نموده، چنین انسانی بایستی ثمر اعمال خود را بچشد، و اگر صراطِ مُستقیم وُصول به اهدافِ عالیّه خود را قبول نمی‌نماید و از طی آن راهِ راست سرپیچی می کند، راهی دور و مُظلم و مملوّ از تلخی و دَمار و آغشته به قطراتِ خون مظلومین در برابر او کشیده می شود که مقدمه ورود بشر به نارِ سَقَر و عذابِ بی حدّ و مرّ می گردد و چنان در گودالی از جهل و عمی فرو رفتند که حتی دستی به سوی شاهدِ مقصود دراز نکردند تا به دامن او برسد، و خود را از گردابِ مُهلکِ مَصَائِبِ بیشمار نجات دهند. هیهات که راهی دیگر بیابند! جز آنکه از سبیلی مَمَلوّ از مَشَقَّات و سختی ها بگذرند. ملاحظه در کلماتِ عالیّه حضرت بهاءالله نمائید که چگونه با نفوسی که از ایمان به شریعه الله سر پیچی کرده و عصیان ورزیده اند تکلم می فرمایند "بگو ای اهل ارض براستی بدانید که بلای ناگهانی شما را در پی است و عقابِ عظیمی از عَقَبِ. گمان مبرید که آنچه مرتکب شدید از نظر مَحْوُ شده؛ قسم به جمال که در الواح زبرجدی از قلم جلیّی جمیع اعمال شما ثبت گشته"

حضرت ولی امرالله در ابتدای ولایت امر با نهایت وضوح طرقي را که باید در سبیل اشاعه امر الهی پیش گیرند پیش بینی فرمودند حتی در سال ۱۹۲۲ مستقبل این خدمات را در مکاتیب خود بیان داشتند به یکی از محافل محلّیه امریکا مرقوم فرمودند: "افراد و ملل در طوفان خود خواهی و ریا فرو رفته اند وظیفه و افتخار ما است که متدرّجاً و با نهایت وفاداری و خلوص نیت توجه آنان را جلب نمایم. فقط با وسعت نظر و خلوص نیت و شور و انجذابی که در انجام خدمات بکار می بریم بدین هدفِ اعلیٰ واصل می گردیم." آن حضرت نه فقط نبضِ عالم را در دست خود داشتند و درد را شناخته و درمان می فرمودند بلکه با کمال حدّتِ نظر و شدّت ایمان فرمودند که: "پس از هشتاد سال غفلت به نظر نمی آید که نوع انسان از بلای ناگهان راه فراری بیابد." در فوریه سال ۱۹۲۳ مرقوم فرمودند: "جهان را ملاحظه می نمایم که در مسیری افتاده که بالمرّه از صراطِ مستقیم مُنحرف و روز بروز از میزان الهی دور و دورتر میگردد."

غالباً در توابع مبارکه و حتی به زائرین این بیان قلم اعلیٰ را گوشزد فرمودند و با همان چشم های تیزبین خود به عمق مجامع انسانی نظر انداخته خطری آلیم و سرطانی بس عظیم مشاهده فرمودند که روز بروز جوارح و ارکان هیکل عالم انسانی را خرد و متلاشی می نماید، و آن عذابِ مُهلکِ هجومِ مادیات است که در هر مذهبی سبب اضمحلال و دمار گردیده ولی این مادیات در هیچ عصری بدین قوّت و شدّت نرسیده بود.

چون بسیاری معنای حقیقی مادّیت را نمی دانند از قاموسِ وَبِستِر (WEBSTER) تعریف آن را نقل می نمایم: "تمایل شدیدی است که اهمّیتِ غیر لازمی به منافع مادّی دهند و هستی خود را در پیشگاه آن و حوائجش فدا کنند." و تعریف دیگر آنست که وجود انسانی را به تعابیر جسمانی و مادّی تعریف نمایند؛ او را فقط مرکز عوامل مادّی بدانند و از بواعثِ روحانی و مبادی اخلاقی انسانی آبداً بحثی ننمایند.

حضرت ولی امرالله کاملاً به نفوذ این روح مادّی آگاه بودند و تأثیرات آن را در مجامع انسانی بدقت ملاحظه فرمودند و امراضِ مُنتجّه از آن را نیز بدقتِ بصر مشاهده و در مکاتیب عدیده خود سی و شش سال یاران را بر حذر داشته و انذار فرمودند.

(گوهر یکتا، صص ۲۹۶-۲۹۸)

مصادیقی از بلای ناگهانی

در سال ۱۹۴۱ امراض اجتماعی جاریه در جوامع انسانی را با بیاناتی روشن تر از بلور و ارشاداتی مملو از نور بیان فرمودند: "شیوع بی بند و باری و استعمال مشروبات الکلی، قمار و اقسام گناه و علاقه بی پایه‌ای که به کسب لذات و غنا و ثروت و تجملات زمینی رائج گشته و سستی در مراعات قوانین اخلاقی که روز بروز با قوتی شدیدتر از قبل مخصوصاً در ازدواجها ظاهر می گردد به نحوی که حتی ممانعت از آن مُحال می‌نماید. تضعیف مقام والدین و تخفیف اختیارات پدر و مادر در منزل و بر اولاد فساد خانمانسوز طبع کتب و آنچه ادبیات می نامند، اشاعه نظریاتی که مُنکر تنزیه و تقدیسند، و هر یک مُخرّب اساس ایمان و ارکان اخلاق می باشند، کلّ مظاهرِ تدنی عالم انسانی در شرق و غرب است. این روح پستی در جمیع طبقات رسوخ و نفوذ یافته و با ریختن زهر خود به هر فردی از افراد جوامع چه زن و چه مرد کلّ را علیل و فاسد و بیمار ساخته است. این دَنائت و پستی، پیر و جوان را در خود می گیرد و کار را به جائی می رساند که عالم انسانی که تا به حال بیدار نگشته و رسالت و اصالت انبیاء را درک نکرده و دست توبه به آستان الهی برنداشته سِجِلّ کردار خود را به اعمالی آرذَل از قبل می آلاید و نامه حیات خویش را که سیاه بود سیه‌تر از همه وقت میسازد." در سال ۱۹۴۹ مُجدّد سیاطِ قهرِ الهی را بر پیکرِ مَجامع انسانی فرود آورده فرمودند: "جهانی است که به واسطه نهضت های سیاسی به لرزه در آمده و ارکان اقتصادیش از هم پاشیده شده و حیات اجتماعیش واژگون گردیده و جهان اخلاق به ظلمت صِرْف رسیده؛ چنین عالمی به موت روحانی مبتلا گشته است."

با ذکر این گونه عبارات و اندازات، اراده مولای حنون آن بود که احبّای الهی را از خطرهای عظیمی که از هر جهت آنان را احاطه نموده است محفوظ و مصون بدارند که سیل مقاسد آنان را به هلاکت نرساند و هر چه به اواخرِ ایّام حیات مبارک نزدیکتر می شدیم لحن مقدّس شدیدتر می گردید و با صراحتی بیش از حدّ درباره این مواضع با یاران بحث نموده و گاهی تلویحاً و بیشتر تصریحاً می فرمودند: "هر چند قاره اروپا مهّد مدنیّت غربی است که به عَدَم معرفت وجود خالق یکتا و فساد اخلاق دچار شده و متأسّفانه بدان افتخار می نماید، ولی ناشرین این مدنیّت محکوم به فنا، اهالی امریکا می باشند. و اگر بدقت مطالعه در احوال آن کشور بنمائید می بینید که در وقت حاضر چگونه مظاهر این احوال پُرملال در جمیع اطراف و أنحاء آن خطّه نمودار است؛ مادّیتِ لِجام گسیخته چنان مردمان آنجا را فر اگرفته و به خود مشغول نموده که به جمیع عالم نیز سرایت نموده است."

و در سال ۱۹۵۶ در نامه ای خطاب به امریکا، هیکل مبارک اوّل جمیع را یادآوری به مناصب روحانیّه و افتخاراتِ رحمانیّه ای که شامل آن کشور شده می فرمایند و بعد یک یک را متذکّر می شوند که چه

فتوحاتِ روحانیّه ای نصیبِ یاران آن دیار گردید، ولی بعد با نهایتِ صراحتِ گوشزد می فرمایند که در آن موقع در پرتگاهِ عجیبی در تاریخِ حیاتِ خود واقع گشته اند و این نقیصه موجود در جمیع یاران انعکاس کامل حالات و کیفیات آن سرزمین است که به قول مبارک: "صدفی است که در آن جواهرِ وجود به ودیعه گذارده شده است." و در همین نامه فرمودند که آن کشور از بحرانی روحانی، اخلاقی، اجتماعی و سیاسی می گذرد و این بحران در نهایت سختی خواهد بود آنچنان سخت و دشوار که اگر کسی با نظری سطحی در آن بنگرد مُحال است خطراتِ عظیمه ای که در کُمون آن موج می زند دقیقاً تخمین بنماید.

ادامه برنامه شماره ۶ "مصادیقی از بلای ناگهانی"

"میزان فسادِ اخلاق به نحوی تدنی یافته که شدتِ جُنحه و جنایاتِ روزافزون شاهد بر آنست؛ فساد سیاسی آنچنان است که دامنه اش روز بروز وسیعتر می گردد و این فساد در جمیع أنحاء کشور حتی در اعلی طبقاتِ رسوخ می یابد؛ روابطِ مقدسه ازدواج از هم گسسته، اختیاراتِ والدین را در منازلِ خود از بین برده بطوریکه آنان را تحقیر می نمایند، و این امور از مُدهش ترین مظاهرِ فسادی است که دامنگیر این جامعه عظیمه گردیده و بنحوی آشکار است که دیگر مُحال است مُبهم و مستور بماند و هر شخص بصیری آن را مشاهده می کند. به موازاتِ این فساد، جریانِ دیگری در کار است که در جمیع جوانبِ حیاتِ رسوخ یافته و آن شری است که در این ملت و فی الواقع هر ملت سرمایه داری وجود دارد و آن تأکید شدید مستمری است که در رفاه و آسایش مادی نفوس به کار می رود و بالمَره از آنچه که تعلق به عالم روح دارد غافلند، و حال آن که تنها شالوده ای که بر آن با نهایتِ اطمینان و اعتماد می توان شالوده ای رزین و اعمده متین برای سعادتِ عالم انسانی برپا داشت همین جنبه روحانی حیات انسانی است. این مادیت، سرطانی است که در اروپا بوجود آمده و حال در قاره امریکای شمالی به حدّ اعلای نفوذ و رسوخ خود رسیده و از آنجاست که پنجه های قوی خود را به میل آسیائی نیز کشیده و آثارِ شومش در سواحل قاره افریقا مشهود است. اکنون همین سرطان به غارتِ قلبِ خود پرداخته که حضرت بهاءالله با نهایتِ قوّت و صراحت آن را محکوم فرمودند و این را شعله خانمانسوز دانستند و مقدمه فتنه گبری شمردند و موجبِ بلایِ عقیم گرفتند که چون صاعقه فرود آید و شهرها را در شراره های خود بسوزاند و رعب و وحشت و ناامنی در قلوب ساکنین کره ارض بوجود آرد." (گوهر یکتا، صص ۲۹۹-۳۰۲)

از جمله وظایف اهل بها در قبال بلای ناگهانی (ب- فضائل و اخلاق رحمانی)

حضرت ولیّ امرالله میفرمایند:

آلِیوم اساس اعظم و میزان آکمل و اتم و فارِقِ بین حقّ و باطل اخلاق است نه اقوال؛ هر چیزی که دارای آن باشد مؤیّد است و مِنْ لَدَى الْحَقِّ، و هر طائفه ای از آن محروم باطل است و از فضل و تأیید الهی ممنوع. نام و نشان، دلیل و برهان، اگر مؤیّد و توأم به حُسن روش و سلوک و اخلاق طیبّه مرضیه نباشد در این عصر مَذموم و مَطْرودِ جهان و جهانیان است، و حُسنِ اخلاق، کمالات و مَظَاهِرَش، حُسنِ سُلُوک و رفتار و یگانگی و اَلْفَت و اِتِّحَاد و اِتِّفَاق و حُسنِ معاملات در جزئیّات و کلیّات و تعاون و تعاضدِ مستمرّی صمیمی و مَحَبَّت و خلوصِ نیت و صفای قلب و طهارتِ نفس و صداقت و امانت ما به اَلْاُمْتِیَازِ یاران است. چه که این صفاتِ مَمْدُوحه که اهل عالم از آن غافل و محجوبند، اوّلین و آخرین دلیلِ مُقْنِع و بُرْهانِ کافی لامعِ این آئینِ الهی است. مِحْکِ تجربه است و یگانه مُمَیِّزِ بهائیان از سائر طوائف و اُمَم. مَقْصِدِ اصْلِیِ عموم انبیاء و رُسُل است و یگانه مقصود و مطلوب و مُنتها آمال و آرزوی حضرتِ اعلی و جَمالِ اَبَهِی و حضرتِ عبدالبهاست. (گلزارِ تعالیم بهائی صص ۹-۱۰)

عاقبت و نتیجه بلای ناگهانی (الف)

حضرت ولیّ امرالله در لوح مورخ سنه ۸۹ بدیع می فرمایند:

ملاحظه نمائید که چگونه قلم اعلی و کلک اطهر حضرت عبدالبهاء در الواح قدسیه و زبر قیمه مقدسه الهیه تلویحاً و تصریحاً اخبار از وقوعات حالیه نموده و تصریح فرموده که این تعصبات جاهلیه ازدیاد یابد و مفسد قویه شدت نماید و حرکتهای تازه عمومی بر هیجان و انقلاب بیفزاید و غفلت و لامذهبی در بین جمیع طبقات رواج یابد و آفات و بلیات مِنْ کُلِّ الْجِهَاتِ هیأت اجتماعیه را احاطه نماید و عاقبت الامر طغیان این طوفان منتهی به انقلابی گردد که شبه آن را چشم عالم ندیده و در هیچ تاریخی ثبت و مدون نگشته و این انقلابِ اعظمِ بِنَفْسِهِ مُمِدِّ آئینِ الهی است و مؤسّس وحدت عالم انسانی؛ تعصبات را زائل نماید و کافّه دُول و اُمَم را در بَسِیْطِ زمین متوجّه و مُتَمَسِّک و مُرَوِّجِ وحدتِ اصْلِیّه گرداند جهانیان را به تأسیس محکمه کُبری

الهی دلالت فرماید و رؤسای ارض را به رفع لواءِ صلح اعظم مُطابِقاً لِمَا نُزِّلَ مِنَ الْقَلَمِ الْأَعْلَى وَ مِنْ مُبَيَّنِّ آيَاتِهِ الْكُبْرَى مُؤَيَّد و مفتخر گرداند. عالم را یک وطن نماید و مِصْدَاقِ اِذْنُ تَرَى الْأَرْضَ جَنَّةَ الْأَبْهَى بر کافهٔ اَنَام ظاهر و آشکار فرماید و ملکوت الله را ترویج و تأسیس نماید و بَسِيطِ غَبْرَاءِ را آئینۀ مَلَاءِ اَعْلَى گرداند ... (به نقل از پیام ملکوت، صص: ۲۷۸-۲۷۷)

عاقبت و نتیجهٔ بلای ناگهانی (ب)

بیت العدل اعظم در پیام ۴ شهرالملك ۱۳۶ (۱۰ فوریه ۱۹۸۰) می فرمایند:

آیة مبارکه قَدْ اضْطَرَبَ النَّظْمُ مِنْ هَذَا النَّظْمِ الْأَعْظَمِ مِصْدَاقِ اِیْنِ مَقَالِ اسْتِ و اِنْدَارَاتِ مُكْرَّرَةً صَرِيحَةً قَلَمِ اَعْلَى مُبَيَّنِّ حَالٍ، چنان که می فرماید: "عالم را بلا احاطه نموده اگر فی الجمله خیر هم در او گاهی مشاهده شود، بلای عظیمی از عَقَبِ متوجّه، و اَحْدَى از عِبَادِ اَرْضِ، سبب و عَلَّتِ آن را ادراک نموده" ... همچنین از قلم میثاق به کُرَاتِ نازل که بشرِ غافل قبل از توجّه و اِعْتِنَاقِ به تعالیم جانپورِ نَبْرِ آفاق به چه مَشَقَّاتِ لایطاق مبتلا گردد. می فرماید: "روز به روز هَرَج و مَرَج در دنیا در اِزْدیاد است، عاقبت به درجه ای رسد که بُنِیةٔ انسانی را تَحْمَلِ نماند. آن وقت، اِنْتِبَاهِ رُخِ دهد و نفوس آگاه گردد که دینِ حِصْنِ مَتین است و آیینِ نورهٔ مُبَیَّنِ و احکام و نصایح و تعالیم الهی مُحییِ روی زمین." بر اربابِ بصیرت پوشیده نیست که آثارِ اولیةٔ این هَرَج و مَرَج در آرکانِ هیأتِ اجتماعیه هر روز ظهور و بُرُوزی داشته و رخنه و نفوذی نموده است و قوای مُخْرَبه اش بنیان مؤسّسات و مشروعاتِ مَعهودةٔ قدیمه را که در قرون و اَعصارِ دائِرْمَدَارِ جمیع شؤنِ اهل عالم و مَلْجاءِ و مَلَاذِ بَنیِ اَدَمِ بوده واژگون ساخته و موازینِ سیاسی و اقتصادی و علمی و ادبی و اخلاقی بشر را دگرگون نموده و عِلْمِ مَفَاخِرِ تَمَدّنِ عصرِ حاضر را سرنگون داشته است. مَبَادِیِ اساسیةٔ نظم جهان را مَكَايِدِ سیاسیةٔ زمامداران، داغِ بَطْلانِ نهاده و حرص و آز و ریا و تزویر و ظلم و خود پرستی بر روابط جامعه بین افراد و ملل حاکم گشته است. اکتشافات و اختراعات که ثمرهٔ تَقَدّمِ علوم و صنایع است آلات و وسایل دَمَارِ و اِنْهَدَامِ عمومی را فراهم آورده و به دست نااهل افتاده است. حتّی موسیقی و هنر و ادبیات که باید نماینده و هادیِ عَوَاطِفِ رَقِیْقَهٔ عالیه و وسیلهٔ تَلْطِیْفِ و تسکینِ رُوحِ افسردهٔ انسانی گردد، حال آیینۀ قلوبِ تیرهٔ این نسلِ سرگردان و لأبالی و بی سروسامان شده و از صِرَاطِ مُسْتَقِیْمِ اِنْحِرَافِ جسته است و امثال این انحرافات سبب گردد که به فرمودهٔ جمال مبارک، "هر یوم بلای جدیدی ارض را اخذ نماید و فتنه برپا شود"، و "سَوْفَ تَحْتَرِقُ الْمُدُنُ مِنْ نَارِهِ"، تحقق یابد.

از جمله وظایف اهل بها در قبال بلای ناگهانی (الف - عشق و وحدت و اتحاد)

حضرت ولیّ امرالله می فرمایند:

بدون رُوحِ عشق و مَحَبَّتِ حقیقی نسبت به حضرت بهاءالله و شریعتِ سَمَحَهٗ اِلهی و مُؤَسَّساتِ آن و نیز عشق و مَحَبَّتِ افرادِ بهائی نسبت به یکدیگر، امرالله در حقیقت هرگز قادر نخواهد بود که افراد کثیری را در ظِلِّ لُوایِ خود وارد سازد، زیرا آنچه دنیا طالب آن است موعظه و وضعِ قانون نیست بلکه مَحَبَّتِ و عمل است. (ترجمهٔ قسمتی از ابلاغیه های مورخ ۳۰ سپتامبر و ۲۵ اکتبر ۱۹۴۹ که حسب الامر حضرت ولیّ امرالله به یکی از احبّاء مرقوم گردیده است)

و نیز می فرمایند: احبّا خیلی باید بکوشند که آثار کدورت و اِغْبِرار در قلب هیچیک نباشد؛ این از تبلیغِ مُهمِّ- تر است. (کتاب به یاد محبوب، ص ۳۰۹)

و نیز می فرمایند: اگر اُخُوَّتِ حقیقی بِأَحْسَنِهَا وَ أَجْمَلِهَا وَ أَكْمَلِهَا در بین احبّا تحقّق نیابد، تأسیس وحدت عالم انسانی چگونه ممکن؟ اگر اختلاف در بین یاران که هر یک حامل پیام نجاتند زائل نگردد امیدی دیگر نه، و تبلیغ را دیگر اثر و فایده و لزومی نبوده و نخواهد بود.

(خصائل اهل بهاء و فرائض اصحاب شور، ص ۹۲)

از جمله وظایف اهل بها در قبال بلای ناگهانی (ج- انقطاع و خدمت و تبلیغ)

حضرت ولیّ امرالله می فرمایند:

وقتی بزرگترین رنج و مصیبت فرا رسد بر عهدهٔ جوانان است که صفوف خود را مُجهّز سازند و به اتّفاق قیام کنند وظیفهٔ خود را اجرا و اِکمال نموده و ملکوت الهی را در روی زمین تأسیس و مستقرّ نمایند.

(راهنمای جوانان، ص ۱۱)

و نیز می فرمایند: هر یک از یاران بی درنگ و به صرافتِ طبع، آنچه در قوه دارند در سبیلِ آمالِ حضرتِ دوست نثار نمایند که مبدا ناگهان حوادثِ غیرمترقبهٔ جهان، آنان را از قسمتِ اعظمِ خزائن و اشیاءِ ملکیه ای که گرد آورده اند بی نصیب و ممنوع نماید.

(آهنگ بدیع، شماره ۱۸۳، صفحه ۸۵ و قبل و بعد از آن)

و نیز می فرمایند: آنچه اَلزَم و اَهَمّ و اعظم است تبلیغِ امرالله است و تولیدِ آن رُوح و ذوق و شوقِ ترویجِ کَلِمَةُالله در قلوبِ افرادِ اَحِبّاء. به قدرِ امکان نظر را باید از ترتیب و تنظیمِ اُمورِ داخلهٔ اَحِبّاء به اِتّساعِ دائرهٔ اَمْر و انتشارِ نَفَحَاتِالله در بینِ سایرین متوجّه نمود؛ دقائق و جزئیاتِ اُمور را تا حَدّی ترک نمود و در مَهامِّ اُمور که اِرتفاعِ صِیْتِ اَمْر و حِفْظِ حِصْنِ حَاصِنِ شَرِيعَةِالله است و تحسینِ اخلاقِ افرادِ بشر است کوشید.

(گلزار تعالیم بهائی، ص ۱۰۳)

از جمله وظایف اهل بها در قبال بلای ناگهانی (د- حسن رفتار، تمسک به ذیل عفت و عصمت، آزادی از
قیود تعصبات)

بیت العدل اعظم می فرمایند:

مولای حنون [حضرت عبدالبهاء] همچنین می فرمایند: "... شما باید در این مورد یعنی خدمت به عالم انسانی جانفشانی کنید و به جانفشانی شادمانی و کامرانی نمایید. " دوستان عزیز و محبوب، همانطور که به خوبی می دانید قلوب این مشتاقان غرق در سرور است که شما و اعضای هیأت های معاونت با چنین توانایی در پیشاپیش میادین تبلیغ به خدمت مشغولید و وظایف مقدسه خویش را مجری می دارید تا نار موقده محبت الله را در آفنده و قلوب مشتعل ساخته یادگیری را ترویج نمایید و همه را در تلاش برای اتصاف به اخلاق نیک و شایسته مدد دهید. هنگامی که جامعه بهائی امریکای شمالی در انجام مسؤلیت هایی که در الواح نقشه ملکوتی به آن تفویض شده بود اجرای اولین نقشه هفت ساله خود را آغاز نمود حضرت ولی امرالله بیانیه ای مفصل و مهیمن مورخ ۲۵ دسامبر ۱۹۳۸ به زبان انگلیسی خطاب به احبای آن سامان صادر فرمودند که بعداً تحت عنوان "ظهور عدل الهی" منتشر گردید. این توفیق منیع ضمن تشریح ماهیت وظایف دوستان، به آنچه هیکل مبارک آن را شرایط روحانی جهت موفقیت در همه اقدامات بهائی توصیف می فرمایند، اشاره می نماید. هیکل آنور می فرمایند که سه شرط از این شرایط "در رتبه اولی و درجه اعلی از اهمیت قرار دارد": حسن رفتار، تمسک به ذیل عفت و عصمت در حیات فردی و آزادی از قیود تعصبات. با توجه به اوضاع امروز جهان شایسته است که در باره ملاحظات حضرت ولی امرالله و مقتضیات آن در ارتباط با مساعی جهانی جامعه بهائی جهت القای روح امر الهی در هر یک از محدوده های جغرافیایی تأمل و تفکر فرمایید.

(ترجمه پیام بیت العدل اعظم خطاب به کنفرانس هیأت های مشاورین قاره ای، ۲۸ دسامبر ۲۰۱۰)

از جمله وظایف اهل بها در قبال بلای ناگهانی (ه- امید و اطمینان و سرور)

بیت العدل اعظم در پیام رضوان ۱۵۳ بدیع مطابق با ۱۹۹۶ در آغاز نقشه چهارساله می فرمایند: راه به سوی صلح هر قدر کوتاه باشد ولكن پریچ و خم است و هر قدر حوادثی که انتظار می رود جهت آن را تعیین نماید امید بخش باشد باید پس از دوره طویلی از طی سیر تکاملی خود به مرحله بلوغ رسد. این دوره همراه با امتحانات و شکست ها و منازعات خواهد بود تا در ظل تأثیر و نفوذ امر الهی منجر به ظهور و طلوع صلح اعظم گردد. مردم جهان در طول این دوره در همه جا قبل از آن که به مرحله ای برسند که بتوانند حکمت و ارزش تحوّل را که در جریان است درک کنند غالباً دچار یأس و نگرانی خواهند شد. ولكن ما اهل بهاء در اثر ظهور جمال اقدس آبهی^۱ بینش جدیدی یافته ایم و آثار قلم اعلی سبب اطمینان خاطرمان گشته و نقشه الهی موجب راهنمایی و تاریخ پرشهامت امر مایه تشویق ما است. نه تنها باید از گنجینه آثار قلم اعلی بلکه از درخشش اعمال قهرمانانه و فداکاری هایی که حتی امروز در سرزمین زادگاه امر الهی تابان است قوت قلب یابیم.

... در حالی که جامعه بشری گرفتار ویرانگری های تمدن بی بند و بار کنونی است، باید قلوب و افکارمان را به وظایفی که برعهده داریم متوجه نمائیم زیرا در بحبوحه این اضطرابات فرصت های فراوانی پیش می آید که باید "برای اشاعه قوه ناجیه امر حضرت بهاءالله در جمیع اقطار و استتلال مقبلین جدید در ظل شریعه الله و دخولشان در صفوف دائم الاتّساع امرالله" (ترجمه) غنیمت شمرده شوند. نقشه ای که حال متعهد اجرای آن شده ایم در یکی از ادوار بسیار بحرانی در حیات انسان بر روی کره ارض به مرحله اجرا درمی آید. هدف این نقشه آماده ساختن جامعه بهائی برای مقابله با تغییراتی است که در دنیای ما روی می دهد و به خاطر آن است که جامعه بهائی را در وضعی قرار دهد که هم بتواند در برابر امتحانات و اضطراباتی که در پیش است مقاومت نماید و هم بتواند طرز کار جامعه بهائی را طوری جلوه گر سازد که دنیا برای اخذ کمک و نمونه عملی در اثر تحوّل پرتلاطمی که در پیش دارد بدان تأسی نماید. این است که این نقشه جایگاه خاصی در طرح کلی بهائی و در تاریخ دنیا خواهد یافت. افرادی از اهل بها که آینده را چنان که امر بهائی مجسم می کند درک می نمایند این برتری را خواهند داشت که آگاهانه در کوشش هائی که هدفش به حرکت آوردن و پیش بردن جریانات مزبور است شرکت نمایند.

امید است که آن یاران عزیز برای تعهد مسؤلیت های این اوقات بحرانی قیام نمایند، و امید است که هر یک از آن عزیزان بتوانند نام خود را در این برهه کوتاه از زمان که پُر از امکانات و امید برای عالم بشریت است ثبت نمایند. برای آن که خاطر شما در اثر وقایع ناگوار این دوره تغییر و تحول متشتت نگردد نصایح هدایت بخش مولای حنون حضرت ولی امرالله را به خاطر آرید که می فرماید: "ما که موجودات حقیری هستیم نمی توانیم در چنین مرحله بحرانی تاریخ طولانی و پُر حوادثِ نوع بشر واضحاً کاملاً درک کنیم، بشر آغشته به خون که از بدبختی خدای خود را فراموش کرده و به حضرت بهاءالله اعتنا ننموده چه مراحلِ مُتتابعه دیگری از عذاب و فنایش تا رستاخیزِ نجات نهائیش باید طی گردد.... بلکه وظیفه ما آن است که باوجود مغشوش بودن اوضاع و مظلّم بودن مناظرِ حاضره و محدود بودن وسائلی که در دسترس داریم با کمال مسرت و اطمینان و استمرار زحمت کشیده به هر وسیله که ممکن باشد به سهم خود کمک کنیم تا قوائی که حضرت بهاءالله ترتیب داده و اداره می فرماید به جریان افتاده نوع انسان را از وادی بدبختی و مَذَلّت به اعلی رَقَرَفِ قدرت و جلال برساند." (ترجمه)